



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال پنجم • شماره اول • بهار ۱۴۰۱

Quarterly Journal of Moral Studies  
Vol. 5, No. 1, Spring 2022

علمی پژوهشی



## تحلیل کُد اخلاقی محبت در بودیسم

سید اکبر حسینی قلعه بهمن\* | مهدی احمدی\*\*

### چکیده

«محبت» یکی از مهم‌ترین مقامات معنوی چهارگانه بودیسم است که در این نوشتار و به روش کتابخانه‌ای، تحت عنوان «کُد اخلاقی محبت» مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است. محبت، آموزه‌ای است که از ابتدای روشن‌شدگی بودا در رفتارش دیده می‌شود. مراد از آن، محبتی جهان‌شمول و بدون چشم‌داشت است. محبت به خدا در آن مطرح نیست و محبت به خود از طریق محبت به دیگران و کسب نجات قابل تصور است، اما محبت به دیگر موجودات امری لازم است. مشوق‌های آن رسیدن به نیروانا، آرامش درونی و رهایی از رنج و مهم‌ترین ضمانت اجرایی آن عدم این موارد است، از آنجا که اخلاق بودایی نسبی‌گراست از این رو، این قاعده ممکن است در شرایطی متزلزل شود، پس در چنین شرایطی - به‌رغم قابلیت تعلیم - عمومیت، شمولیت و کلیت ندارد. چالش‌های آن عدم تعادل، خشم، بدخواهی، خودخواهی، محبت احساسی، محال بودن و دشوار شدن زندگی عادی و راهکارهای کسب آن، عمل به راه میانه، کسب مقامات معنوی و صبر مستمر است. به نظر می‌رسد به سبب تعریف خاص از محبت در این آیین، عملاً پابندی به این قاعده برای اکثریت افراد محال بوده و سهولت در دستیابی ندارد و از همین رو، برای عامل اخلاقی نوعی ناامیدی نسبت به نجات در پی دارد.

### کلیدواژه‌ها

بودیسم، اخلاق بودایی، کُد اخلاقی محبت، محبت، مهر، مهربانی، شفقت.

\* دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. | akbar.hosseini37@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | ahmadi68mahdi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

■ قلعه بهمن، سید اکبر حسینی؛ احمدی، مهدی. (۱۴۰۱). تحلیل کُد اخلاقی محبت در بودیسم. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۱۴(۵)، ۱۰۱-۱۲۴.

doi 10.22034/ethics.2022.50289.1535

## مقدمه

به نظر می‌رسد بیشتر انسان‌ها سعی می‌کنند دست‌کم در یکی از روابط چهارگانه خود با خدا، خود، انسان‌ها و طبیعت یا در همه این ارتباط‌ها، مسائل اخلاقی را رعایت کنند، اما گاهی به هنگام برقراری این روابط و رعایت اصول و قواعد اخلاقی دچار مشکل می‌شوند و گاه تشخیص این که چه کاری، در چه موقعیتی، اخلاقاً درست است و یا این که کدام مشوق‌ها و برانگیزاننده‌ها و یا ضمانت اجرا برای رفتارهای اخلاقی ما وجود دارد، بسیار دشوار می‌شود.

در این مرحله آنچه می‌تواند راه‌گشا باشد مولفه‌ای به نام «کُد اخلاقی» است؛ کُد اخلاقی تعبیری بدیع، ابتکاری، مختصر و در عین حال جامع است که معادل‌سازی برای آن ضروری است، اما تا کنون این کار صورت نگرفته و از همین رو، معادل مناسب فارسی برای آن یافت نشده و به ناچار از اصطلاح «کُد اخلاقی» استفاده می‌کنیم. کُد اخلاقی دارای سه معنای الف) نظام اخلاقی؛ ب) اصول و قواعد اخلاقی؛ ج) آئین‌نامه اجرایی اصول و قواعد است که همین معنای اخیر مراد این تحقیق است. بنابراین و به واقع، «کُد اخلاقی» راهکار و به تعبیری آئین‌نامه انجام یک اصل و قاعده اخلاقی را مشخص می‌کند و خود دارای ارکان و اجزایی نظیر پیشینه کد اخلاقی، منشأ صدور، اصل یا قاعده بودن، مشوق‌ها، ضمانت‌های اجرایی این کُد، توضیح واژگان، لوازم اجرایی، چالش‌ها و راهکارهاست. (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۶، ص ۹۲) به عنوان مثال، هنگامی که از کُد اخلاقی محبت سخن می‌گوییم به دنبال پیشینه آموزه محبت، زمان و مکان مطرح شدن آن، اصل اخلاقی<sup>۱</sup> یا قاعده اخلاقی<sup>۲</sup> بودنش، مشوق‌های فاعل اخلاقی به رعایت آن و مجازات ترک‌کننده آن واژه‌شناسی آن، یعنی مشخص کردن مفهوم فاعل اخلاقی، متعلق فعل اخلاقی و معنای محبت، لوازم اجرای این کُد، چالش‌ها و موانع پیش روی آن و راهکارهای حل چالش‌ها و عبور از موانع هستیم (نک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۶، ص ۹۱-۱۱۰). بنابراین، این نوشتار با بررسی محبت در بودیسم، تلاش می‌کند این گزاره اخلاقی که «انسان‌ها به عنوان عامل اخلاقی باید در مواجهه با خدا، خود، دیگران و محیط زیست به محبت رفتار کنند» را در اخلاق بودایی و در قالب جدید «کُد اخلاقی» تحلیل و نقد کند.

لازم به ذکر است، به منابع مستقلی که محبت در بودیسم را مورد کنکاش قرار داده باشند

۱. در این صورت، تحت هیچ شرایطی استثنا نخواهد داشت.

۲. در این صورت، ممکن است که در برخی شرایط و در مقام تعارض با قواعد دیگر کنار گذاشته شود.



دست نیافتیم، بلکه در آثاری که به بودیسم و اخلاق بودایی پرداخته‌اند، اشاراتی به محبت نیز شده است (نک: آزادیان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳-۱۶۸؛ Heim, 2020, p. 27)، اما هیچ یک از این آثار مستقلاً و در قالب خاص کُد اخلاقی به آن نپرداخته‌اند.

### پیشینه کُد اخلاقی محبت

شخصیت محوری آیین بودیسم، گوتاما<sup>۱</sup> نام دارد؛ زندگی و سخنان گوتاما برترین مأخذ و سندی است که آموزه‌های او از آنها گرفته شده و بر آن بنا شده است؛ بنابراین، مرجعیت از آن سیره، منش و سخنان او است. داستان شروع تغییر در زندگی او، قابل تأمل است و از همین جا می‌توان ریشه‌های محبت را یافت؛ تحوّل وجودی‌ای که جان گوتاما را شعله‌ور می‌سازد، مواجهه او با رنج‌هایی نظیر مرگ و بیماری است که بشر با آنها دائماً دست و پنجه نرم می‌کند. به نظر می‌رسد محبت او به نوع بشر گوهری است که او را به تلاش برای نجات بشر از این رنج‌ها کشانده است و نمونه کاملاً آشکار این محبت مربوط به زمانی است که گوتاما پس از روشن‌شدگی، درباره اینکه آیا این تجربه را با دیگران در میان بگذارد و این مبادی را به دیگران تعلیم دهد یا این راز را در درون خود حفظ کند، متحیر ماند و البته، سرانجام - پس از کشمکشی درونی - بر آن شد تا دیگران را از این حقیقت محروم نگرداند و به تربیت و تعلیم نفوس همت گمارد (ناس، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). از این رو، آموزه‌های بودیسم، یافته‌های فردی است که خود به اشراق رسیده و از روی لطف یافته‌های خویش را با دیگران به اشتراک گذاشته است (داس، ۱۳۷۹، ص ۷۷).

به همین سبب است که فرقه «مهاییانه» هدف از نیروانه<sup>۲</sup> را این‌گونه تبیین می‌کند؛

هدف از نیروانا این نیست که فرد به درد و رنج شخصی خود پایان بخشد، بلکه غایت آن نیل به کمال عقلانی و حکمت تام است که به وسیله آن انسانی که خود رهیده و آزاد شده بتواند برای رستگاری و رهایش همه موجودات از درد و رنج و محنت اهتمام ورزد، یعنی انسان وارسته‌ای که به نیروانا رسیده است، آن را در راه رهنیدن همه موجوداتی که گرفتار درد و رنج‌اند به کار گیرد و نه تنها خود را که آنان را نیز از الم نجات دهد (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳).

1. Gautama
2. Nirvana



۱۰۳

شاهد دیگر این مطلب، این جمله کوتاه و صریح از بوداست: «رنج شما، رنج من است و شادی شما شادی من» (چنین گفت بودا، ص ۲۷).

شاهد دیگر این است که به رغم نشئت گرفتن بودیسم از هندوئیسم، یکی از اختلافات جدی میان آنها نظام طبقات اجتماعی است که نوعی دسته‌بندی به دور از شئون محبت‌آمیز است؛ زیرا به موجب این طبقه‌بندی، ستم‌هایی به طبقات زیرین جامعه وارد می‌آید که خوشایند بودا نبوده است. اختلاف دیگر درباره سنت قربانی است؛ زیرا بودا مراسم قربانی را تقبیح می‌کرده و آن را با اصل عدم آزار به کلیه موجودات و مخلوقات در منافات می‌دید و از همین رو، نمی‌توانست به قربانی‌های برهمنی رضایت دهد (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۱). ویل دورانت نیز درباره او می‌نویسد: «او اندیشه قربانی برای خدایان را رد می‌کند و نگران قربانی جانوران در این آیینهاست» (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۵۰۰).

شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که این موارد و مواردی از این دست موجب آن شده که آموزه اخلاقی محبت در نگاه گوتاما جایگاه ویژه بیابد. حتی در نگاه مهیانه،<sup>۱</sup> همه موجودات و حتی گیاهان، دارای گوهر بودایی هستند و مهربانی بایستی درباره همه موجودات به کار گرفته شود، چه موجودات برتر از انسان و چه پست‌تر از او (سوزوکی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۶ - ۲۱۷).

### منشأ صدور کد گد اخلاقی محبت

سؤال دیگری که باید پاسخ داد این است که خاستگاه این کد اخلاقی را در کجا می‌توان یافت؟ این منش محبت‌آمیز از کدام منبع برخاسته و چه چیزی گوتاما را به این سیرت رهنمون ساخته است؛ وحی، عقل، فطرت وجدان، قرارداد، توهم و...؟

در اینجا این بحث کلی مطرح است که منشأ سبک زندگی و سخنان گوتاما چیست؟ پاسخ به این سؤال کلی، منشأ صدور کد اخلاقی محبت را نیز آشکار می‌سازد.

آنچه در تمامی آثاری که درباره بودا آمده، دست یافتن او به معرفت، نیروانه یا روشن‌شدگی است، اما به وضوح مشخص نشده است که این کسب معرفت از چه طریقی برای او حاصل شده است؟ بدیهی است خود گوتاما منشأ روشن‌شدگی و کسب معرفت را وهم و خیال نداند؛ زیرا در غیر این صورت، اصل روشن‌شدگی اش زیر سؤال خواهد رفت و مردود خواهد بود. از سویی در

۱. یکی از فرق بودایی.

هیچ منبعی و هیچ اندیشمند بودایی ادعا نکرده که این معرفت از سوی یک منبع بیرونی بر او الهام شده باشد؛ زیرا اساساً وجود چنین منبعی در بودیسم نفی شده است. ممکن است ادعا شود که قراردادهای اجتماعی، سیاسی و ... او را به روشن‌شدگی رسانیده و موجب شده او پس از رهیدن از پیلهٔ رنج‌آلودهٔ این دنیا به یاد رهنیدن دیگران افتاده باشد، اما حقیقت آن است که تا جوششی از درون نباشد نمی‌توان احدی را به جبر قراردادهای اجتماعی و سیاسی و ... به معرفت رسانید یا معرفتی را به او تحمیل کرد.

با توجه به داستان زندگی گوتاما از زمان مشاهدهٔ مناظر درد و رنج دیگران تا زمانی که در ۳۵ سالگی یک بودا شد، می‌توان توجه به درون را مشاهده کرد، یعنی القا از بیرون به هر نحوی که باشد - خواه به شکل الهام و وحی و خواه به شکل قرارداد، جبر و ... - وجود نداشته است. بنابراین، منشأ روشن‌شدگی او عقل و اندیشه، فطرت و یا وجدان او بوده است، اما آنچه در کلمات خود او مورد اشاره قرار گرفته است، اندیشه و کنترل اندیشه است و چه‌بسا اندیشه، عنوان عامی است که عقل، فطرت و وجدان و توجه را در خود جمع کرده است. در بخشی از آخرین وصیت گوتاما این‌گونه نقل شده:

۱۰۵

نکتهٔ سخن در این تعالیم، مهار داشتن اندیشه‌تان است. فکر خود را از طمع دور دارید تا راست‌رفتار و پاک‌اندیش و درست‌پیمان باشید. با همواره اندیشیدن به گذرا بودن زندگیتان، آز و شهوت را حریف خواهید شد و خواهید توانست از همه بدی‌ها پرهیزید. باشد که اندیشه انسان او را یک بودا سازد، یا این‌که جانورش کند ... انسان در پرتو معرفت، بودا می‌شود. پس اندیشه خود را مهار دارید و نگذارید از راه راست منحرف شود (چنین گفت بودا، ص ۲۱-۲۳).

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که گوتاما منشأ روشن‌شدگی خویش را مهار اندیشهٔ خود می‌داند. پس او از راه ذکر و تفکر و سلوک صامت، معرفت را دریافته است (چنین گفت بودا، ص ۲۸).

در فرازی از ایتی‌ووتکه<sup>۱</sup> که یکی از متون مجموعه سه سبدا<sup>۲</sup> است، نادانی را حجاب و مانعی شمرده که موجب گرفتاری در سنساره می‌شود (چنین گوید او (بودا)، ص ۲۹). از این اندیشیدن نیز به توجه ژرف یاد کرده است که منجر به شناخت و انتخاب درست از نادرست می‌شود؛ «... ای رهروان، آنگاه رهرو نومریدی که توجه ژرف دارد، نادرست را رها می‌کند و به درست می‌آویزد»

1. Itivuttaka  
2. Ti-pitaka



(چنین گوید او (بودا)، ص ۴۱). پس صدور کُد اخلاقی محبت در او، از تفکر و در نتیجه آن، از روشن‌شدگی و معرفت سرچشمه گرفته است.

سؤال دیگر این است که بودایی‌ها این آموزه‌های را از کجا گرفته‌اند؟ در این باره می‌توان گفت بودایی‌ها، آموزه‌های گوتاما را از نقل‌هایی که از گوتمه رسیده است و متون مقدس «تری پیتکه» را شکل داده است به دست آورده‌اند. در آیین بودا برترین مأخذ و سند همانا کلماتی است که بودا گفته است (سوره نیلوفر سه‌گانه، ص ۳۹). افزون بر سخنان بودا (سوترها) شیوه‌های انضباطی به‌همراه سوگند راهبان و حکایات دو بخش دیگر «تری پیتکه» یا سه سبد را تشکیل می‌دهند (داس، ۱۳۷۹، ص ۷۴ و ۷۵). آموزه‌های بودایی در وهله بعدی و در سطحی پایین‌تر، از مطالبی که در انجمن‌های بودایی تصویب شده و همچنین از سنت شفاهی یا شهرت دریافت می‌شود (سوره نیلوفر سه‌گانه، ص ۴۱). به طور خلاصه، منابعی که در بودیسم برای پیروان ترسیم شده است به ترتیب از این دست هستند؛ (۱) متون اولیه بودایی؛ (۲) استنباط قواعد از متون با اجماع؛ (۳) دیدگاه‌های مدرسان معروف؛ (۴) اعمال نظر و ایده شخصی (عباسی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷).

### اصل یا قاعده بودن کُد اخلاقی محبت

یک اصل اخلاقی، ریشه قواعد اخلاقی در یک نظام اخلاقی است و البته، خود بر نظریه ارزش اخلاقی در آن نظام تکیه کرده است. اصل اخلاقی در چالش‌ها و تعارضات، هرگز کنار گذاشته نمی‌شود و در صورت کنار گذاشته شدن، نظام اخلاقی تغییر می‌کند. خلاصه اصل اخلاقی مهم‌ترین هنجار اخلاقی در یک نظام اخلاقی است. سخن از اصل یا قاعده بودن در جایی اهمیت خود را نشان می‌دهد که یک قاعده به عنوان اصل تصور شود و هنگام تعارض با قواعد دیگر؛ آن قواعد به اشتباه طرد می‌گردند، این کار اشتباهی است که از کم‌توجهی به اصل یا قاعده و تفاوت آنها نشئت گرفته است. از سویی ممکن است اصل به عنوان قاعده تلقی شود و هنگام تعارضات، کارکرد متفاوت اصل و قاعده از دست برود.

در بودیسم مفاهیم مختلفی به عنوان قواعد و اصول معرفی می‌گردند که با یک‌دیگر تداخل دارند و ممکن است یک مفهوم نظیر محبت هم به عنوان یکی از ویژگی‌های انسان آرمانی و هم به عنوان یکی از چهار مقام معنوی<sup>۱</sup> مورد نظر باشد؛ از سویی بسیاری از این قواعد و اصول بسیار

1. Brahma vihara

مهم شمرده شده‌اند و به سختی می‌توان مفهوم اصلی‌تر و بنیانی‌تر را شناسایی کرد. از سویی در آموزه‌های بودا، تفکیکی بین قاعده و اصول مطابق آنچه در اخلاق اسلامی داریم وجود ندارد و این امر، موجب دشوار شدن یافتن اصل و قاعده می‌گردد؛ با این وجود به نظر می‌رسد بتوان گفت که مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین مطلب در میان آموزه‌های بودا با توجه به تاریخ زندگی و روشن‌شدگی<sup>۱</sup> گوتاما و چهار حقیقت شریف، این است که انسان باید با راه میانه به نیروانه برسد و این به عنوان اصل در این آیین مطرح است و همه مطالب و آموزه‌ها و آموزه‌های حول این اصل می‌چرخند. در این اصل، نیروانه به معنای خاموشی عطش و میل، غایتی خارج از اخلاق به حساب می‌آید که آدمی بایستی برای رسیدن به آن، راه‌های هشت‌گانه<sup>۲</sup> را که مسیریابی به دور از افراط و تفریط است طی کند و با از بین بردن امیال و هوس‌ها و با کسب چهار مقام معنوی که یکی از آنها مقام محبت، یعنی متا است به نیروانه برسد.

با این بیان و از آنجا که نظریه ارزش در بودیسم دستیابی به نیروانه است، از این‌رو، نظام اخلاقی این دین، نظامی غایت‌گراست و اصل اخلاقی در آن این است که «آدمی باید با راه میانه به نیروانه برسد» و ذیل این اصل اخلاقی، قواعد اخلاقی متعددی جاری است؛ از جمله قاعده<sup>۳</sup> اهیمسا<sup>۳</sup> (بی‌آزاری)، یعنی انسان نباید به هیچ موجودی آزار برساند و قاعده<sup>۴</sup> متا (محبت)، یعنی انسان باید به همه موجودات محبت نماید و...؛ بنابراین، گزاره «انسان به عنوان عامل اخلاقی باید با خود، خدا، دیگران و طبیعت به محبت رفتار نماید» قاعده‌ای اخلاقی است. نکته<sup>۵</sup> نهایی و مهم در این بحث این است که در مبانی اخلاقی بودیسم، خبری از هیچ مطلق اخلاقی‌ای وجود ندارد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰) و با وجود این مسئله، محبت حتی اگر اصل هم باشد که نیست، پایگاه ثابتی نخواهد داشت.

## برانگیزاننده‌ها

در بودیسم با مفهومی به نام کارما<sup>۴</sup> یا کر مه آشنا می‌شویم که به اعمال و رفتار آدمی اشاره دارد و بر پایه<sup>۵</sup> پندار، گفتار و کردار شکل می‌گیرد؛ این مفهوم می‌گوید هر چه بکاری، درو خواهی کرد

1. Nirvana

۲. بینش درست، نیت درست، گفتار درست، کردار درست، معاش درست، کوشش درست، اندیشه درست و تمرکز درست.

3. Ahimsa

4. Karma



(منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶). در صورتی که کارما زشت شکل بگیرد منجر به دوکه<sup>۱</sup> یا رنج خواهد شد و از همین رو، آدمی نیازمند انجام عمل خیر یا کارمای مفید و خوب است و محبت در همه ساحات خود می‌تواند یک کارمای بسیار مفید و یک عمل خیر باشد. دوست داشتن دیگری فواید فراوانی دارد مانند عدالت، صلح، همبستگی، یاری رساندن به یک‌دیگر در مشکلات و...، اما یکی از مهم‌ترین فواید آن - با توجه به سنت بودایی - عدم رنج رساندن به دیگری است، یکی از مواردی که گستره، اهمیت و فایده محبت را نشان می‌دهد این است که محبت نسبت به همه موجودات از ویژگی‌های انسان آرمانی در بودیسم شمرده شده است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶). به این ترتیب، نتایج خیری در پی محبت شکل می‌گیرند که مهم‌ترین آنها رهایی از رنج و چرخه سمساره و دستیابی به نیرواناه است، می‌تواند مشوق‌هایی برای محبت ورزیدن باشند.

مشوق دیگری که می‌توان در نظر گرفت، رهایی ذهن است. رهایی و آزادی ذهن امری ارزشمند است؛ آزادی ذهن از طریق محبت ورزیدن بسیار ثمربخش و مهم است؛ به گونه‌ای که زمینه‌های ایجاد شایستگی در تولد آینده با یک شانزدهم آزادی ذهن از طریق محبت نیز برابری نمی‌کند. زمانی این مطلب آشکار می‌شود که به اهمیت بسیار بالای کسب شایستگی در تولد آینده در بودیسم دقت کنیم. این چنین آزادی‌ای راه همراهی با برهما دانسته شده است (Bodhi, 2005, p. 177,178)

به عبارت دیگر می‌توان به رهایی دل آدمی اشاره کرد؛ سخن و عمل نیکی که از تبت خیری برخاسته باشد برای فاعل آن شادی در پی خواهد داشت و محبت نیز از این قاعده مستثنا نیست، محبت - با تعریفی که در بودیسم دارد و خواهد آمد - دقیقاً چنین شرایطی را دارد و شاید بهترین مشوق برای عمل به قاعده محبت، شادی و آرامشی باشد که در پی آن خواهد آمد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵). از دو جهت می‌توان این شادی و آرامش را لحاظ کرد: نخست، این که ذات آدمی از کار نیکو شاد می‌شود و از همین رو، به‌خاطر محبت ورزیدن شاد می‌شود؛ دوم این که با محبت ورزیدن و عادت به این کار، ذهن و دل فرد رها شده و فرد نیازی به خصومت و بدخواهی نمی‌بیند.

## ضمانت‌های اجرا

مطابق قانون کارما و با توجه به جایگاه محبت در بودیسم، اگر فردی از محبت ورزیدن سرپیچی کند، مانند هر عمل و کارمای بدی، گرفتاری در چرخه سمساره و در نتیجه نرسیدن به نیرواناه را در پی

1. Dukkha



خواهد داشت و نتایج و آثار سوئی که بابت این نرسیدن برای انسان به بار می‌آید این خواهد بود که فرد گرفتار رنج باقی خواهد ماند. باید توجه داشت که همه موجودات - در نهایت - به نیروانا خواهند رسید، اما کارمای ناپسند، این دسترسی را به تعویق خواهند انداخت (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲). شاید مهم‌ترین ضمانت اجرایی از درون خود فرد می‌جوشد، آدمی با رفتار بد - اعم از محبت نکردن یا بدی کردن به دیگران - در درون خود خاطره بدی به جای می‌گذارد، خاطره‌ای آزاردهنده که کیفر محتوم را در عمر و زندگی آینده فرد ایجاد می‌کند؛ بر خلاف این حالت، هنگامی که فردی به کسی محبتی کند یا کار نیکی در حقش به جای آورد، همین عمل موجب شادی او شود (چنین گفت بودا، ص ۶۴).

### مفهوم‌شناسی عناصر کلیدی کُد اخلاقی محبت

برای روشن‌تر شدن کُد اخلاقی محبت، بررسی عناصر کلیدی آن ضروری است.



#### الف) عامل اخلاقی

صبغه اخلاقی آیین بودیسم بسیار پررنگ‌تر از صبغه فلسفی و اعتقادی آن است و از همین رو، شاید بتوان ادعا کرد هر فرد بودایی - به سبب آموزه‌های اخلاقی بودا - یک عامل اخلاقی به حساب می‌آید، اما باید به صورت دقیق‌تری ویژگی‌های یک عامل اخلاقی در بودیسم را جست‌وجو کنیم؛ آیا اختیار و عدم اجبار، سلامت عقل و روان و ... از الزامات فاعل اخلاقی‌اند؟ ضرورت اندیشیدن و فهم و درک با توجه به جایگاه عقل و خرد در بودیسم به عنوان نخستین راه از راه‌های هشت‌گانه و این‌که نخستین گام، آگاهی و شناخت وضعیت انسان و در رنج بودن اوست، آشکار می‌شود (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). به این معنا که اگر فردی فاقد این توانایی باشد، بدیهی است که از او نمی‌توان انتظار عمل و فعل اخلاقی داشت. فعل و عمل اجباری و از روی اکراه نیز نمی‌تواند ارزشمند باشد؛ زیرا از روی آگاهی و خرد صورت پذیرفته است.

#### ب) باید و نباید

از آنجا که واژه‌ها و کلمات دارای بار معنایی هستند و به همین سبب می‌توانند معانی جملات و عبارات و شدت و ضعف آنها را نشان دهند، لازم است بفهمیم واژه «باید» ی که در قاعده

محبت به کار رفته است تا چه اندازه قدرت دارد، آیا توان الزام نمودن مخاطب را دارد یا صرفاً توصیه و ارشادی است و به بیان شایع در فرهنگ اسلامی، آیا این «باید» می‌تواند محبت ورزی به دیگری را واجب کند یا محبت ورزیدن مطابق این قاعده - در نهایت - مستحب است. شاید توجه به جایگاه مهر و محبت در بودیسم برای رسیدن به اهمیت، ضرورت و جوب و الزام محبت در بودیسم به یاریمان بیاید. برای این منظور بایستی چهار مقام معنوی یا وضعیت روحانی را بررسی کنیم که شامل محبت، رحمت، شادی همدلانه و متانت است و این خود جایگاه مهم محبت را نشان می‌دهد. بودا در باب اهمیت مهر و محبت به رهروان این گونه می‌گوید:

ای رهروان! هر آنچیزی که برای اندوختن نکوکرد هست، بسته به بنیادها، به یک شانزدهم مهر آزادی دل نمی‌ارزد؛ زیرا که مهر، به راستی، آزادی دل است، برتر از همه چیز، تابان است، پرتو می‌افشاند و می‌درخشد (چنین گوید او (بودا)، ص ۴۱).

این مضمون، دست‌کم به چهار عبارت مختلف آمده است؛ او به بیان دیگری می‌گوید:

اگر کسی مهر پروری کند، بی‌هیچ بداندیشی به موجودی دیگر و در این کار راستکار باشد و اگر به همه جانداران در دل غمخوارگی داشته باشد، این شریف، نکوکرد بسیار می‌یابد... آن کس که نکشته است و به کشتن بر نمی‌انگیزد رنجه نمی‌دارد و به رنجه داشتن و انمی‌دارد، مهر همه جانداران را در دل دار؛ به هیچ روی خشم در او نیست (چنین گوید او (بودا)، ص ۴۳).

بر اساس این فرازها، اولاً، مهر و محبت، عامل آزادی دل است و آزادی دل عامل خاموشی رنج است (چنین گوید او (بودا)، ص ۱۴۱)؛ دوم این که بودا ارزش محبت را شانزده برابر کارهای نیک دیگر شمرده است. سوم این که فرد مهربان شریف است و اعمال نیکوی بسیاری از همین طریق محبت ورزیدن کسب خواهد کرد و این، یعنی محبت عامل بسیاری از رفتارهای نیکو و خوب است. چهارم این که هر کسی صاحب این مقام باشد، دیگر به هیچ نحو خشم در او راه نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه مقام مهر سه مقام دیگر را دربر می‌گیرد و این نشانه دیگری از اهمیت مهر و محبت است (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۶۵). از سویی، یکی از ده ویژگی انسان آرمانی و انسان کامل در بودیسم، دست‌یابی به مقام محبت است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶).

همچنین بنا به حقیقت اول از چهار حقیقت شریف در آیین بودیسم، عالم، عالم رنج است (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۱) و بایستی انسان برای رهایی خود و دیگران از این رنج تلاش کند؛ به مجرد اینکه انسان به مبانی رنج حیات پی برد، باید در نابودی و انهدام آن همت بگمارد (منسکی،

۱۳۹۳، ص ۱۴۲). بدیهی است که الزام تلاش برای رهایی از رنج، نیازمند لوازم و افعالی است که بدون آنها نمی‌توان از رنج رها شد و یکی از این لوازم و ابزارها محبت است. بنابراین، الزام تلاش برای رهایی شامل محبت ورزیدن نیز می‌شود؛ زیرا رهایی از رنج، بدون آن ممکن و میسر نخواهد بود. هرچند در فرازهایی که از بودا آمده - به صراحت - بر الزام و وجوب اشاره نشده است، اما فرازهایی که درباره اهمیت آمده و تأکیدات فراوانی که نسبت به محبت شده و جایگاهی که برای آن در نظر گرفته شده است، نشان‌دهنده آن است که دست‌کم یکی از مولفه‌های ضروری برای دستیابی به نیروانه همین مقام محبت است و با این وصف چگونه می‌تواند وجوب و الزام نداشته باشد. اما آنچه در بودیسم مطرح می‌شود، خلاف مطالب پیش‌گفته است. قواعد اخلاقی، به اعتقاد بوداییان، مشمول مرور زمان و تغییر مکان و شرایط می‌شوند و این می‌تواند قدرت باید بکار رفته در قاعده محبت را به شدت تضعیف کند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰).

### ج) محبت

در بودیسم برای اشاره به مهر، محبت، شفقت و همدردی (Gombrich, 2006, p. 66)، عاشق مهربانی<sup>۱</sup> (Gethin, 1998, p. 26)، رفاقت<sup>۲</sup> (Kamashila, 1992, p. 41)، دوستی<sup>۳</sup> (Williams, 1964, p. 834) و مفاهیمی از این دست که حاوی پیام مهربانی و خیرخواهی<sup>۴</sup> (Williams, 1964, p. 834) هستند، از واژه‌های میتا یا متا<sup>۵</sup> و کرونا<sup>۶</sup> استفاده می‌شود. البته، این واژه‌ها که - در حقیقت - دو وضعیت از چهار وضعیت روحی آرمانی هستند، تحت عنوان براهما و بهارا<sup>۷</sup> خوانده می‌شوند که به معنای چهار اقامت‌گاه الهی یا چهار وضعیت یا چهار مقام روحانی و معنوی‌اند. این چهار وضعیت، عبارتند از محبت، رحمت، سرور دلسوزانه، و متانت که مبنای همه روابط خوب را تشکیل می‌دهند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷).

1. loving-kindness
2. Friendliness
3. Friendship
4. Benevolence
5. Mettā
6. karuṇā
7. Brahmavihārā

«برهما» یعنی خدایی، قدسی و معنوی، «وبهاره» یعنی مکان و در اینجا یعنی مقام و حالت رفتار. پس «برهما و بهارا» یعنی مقام معنوی.



این دو مفهوم، به قدری به یکدیگر نزدیک هستند که برخی یک معنا را برای متّا بیان کرده‌اند و برخی دیگر همان معنا را برای کرونا عنوان کرده‌اند. متّا، یعنی خیرخواهی برای همه موجودات و کرونا، یعنی شفقت و دلسوزی نسبت به دیگران و همدردی و مهربانی. البته، برخی نیز معنای شفقت را برای متّا و رحمت را برای کرونا در نظر گرفته‌اند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳). هر دوی این مفاهیم، عدم آسیب رساندن و به رنج انداختن دیگران را با خود به همراه دارد و رنج نخستین حقیقت از چهار حقیقت شریف است که توسط گوتاما مطرح شده است.

در تعبیری، این مقامات متعالی ذیل «توجه محبت‌آمیز» قابل جمع دانسته شده‌اند و از همین رو، محوری‌ترین آنها همین محبت است در این تعبیر، مهربانی<sup>۱</sup> آرزوی خوشبختی دیگران، شفقت<sup>۲</sup> اشتیاق برای رهایی از درد کسانی که رنج می‌برند، شادی همدلانه<sup>۳</sup> مشارکت عاطفی در خوشبختی دیگران و متانت<sup>۴</sup> عدم دلبستگی و عدم بیزاری و به نوعی احساس بی‌طرفی و تعادل مسالمت‌آمیز در توجه شخص به دیگران تعریف شده است. (Heim, 2020, p. 27) با این بیان، کمی مرز بین این چهار مقام مشخص تر شده است.

برخی بین مهر با محبت و عشق نیز تفاوت قائل شده‌اند؛ عشق و محبت را عامل ایجاد بیم و اندوه دانسته و مهر را دوستی حقیقی با دوست دیگر و حالتی که دل را نرم می‌کند و موجب آزادی دل است معرفی کرده‌اند که از آن بیم و اندوه ایجاد نمی‌شود؛ مانند مهر مادر به کودک خود که توضیحش گذشت (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۶۲ - ۶۳). مراد از «محبت» در این مقاله همان «مهر» است که تلفظ‌های مختلفی دارد که اینجا دو تلفظ متّا و میتا آمده است.

محبتی که در بودیسم بر آن تأکید شده است، محبت انفرادی نیست و به عبارت دیگر، محبت مرسوم که بین احاد افراد ممکن است حاکم باشد، مراد نیست. محبت متعارف بین دو فرد - در نهایت - موجب علاقه، شهوت و احساساتی می‌شود که خود این احساسات تولید درد و رنج می‌کنند، اما در اینجا محبتی مقصود است که فداکارانه و بی‌غرض باشد (Gombrich, 2006, p. 66). بنابراین، مراد از محبت، امری عام و جهان‌شمول است و عاری از هر گونه شائبه، انتظارات، سود، غرض و عیب است، دوست داشتن زندگی با تمام مظاهرش و دوست داشتن غیر مقید. بهترین مثال برای آشکار شدن مفهوم محبت، نظر کردن در محبت به دور از ادعا و بی‌چشم‌داشت مادر به

1. Mettā  
2. Karuṇā  
3. Muditā  
4. Upekkhā

فرزند است؛ محبتی از این جنس در بودیسم مدّ نظر است. چنین محبتی است که مانع کینه‌توزی می‌شود و خوشی و شادی را برای فرد در پی خواهد داشت؛ نه رنج و شقاوت (ناس، ۱۳۹۲، ص ۲۰۰).

## (د) خدا

بودا - درباره منشأ هستی - معتقد است که هیچ مبدأ و منشأی را نمی‌توانیم بیابیم که موجودات را به آن منتسب نماییم و موجودات از آن سرچشمه گرفته باشند (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۹). شاید کمی تناقض نیز در اینجا یافت شود؛ زیرا او گاهی چنان سخن می‌گوید که گویی برهما (خدای هندو) یک واقعیت است نه صرفاً یک آرمان و پرستش عمومی خدایان را ممنوع نمی‌کند، اما به نماز و دعا فرستادن به خدای ناشناختنی خنده می‌کند (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۵۰۰) و در نهایت، خود نیز در قالب تندیس‌هایی مورد پرستش قرار می‌گیرد، اما به صورت کلی، کفّه انکار خدا در ترازوی بودا بسیار سنگین‌تر است. ویل دورانت می‌نویسد:

او از بیان عقیده در زمینه‌هایی مثل این‌که آغاز و انجام جهان چه بوده و چه خواهد بود؟ خودداری می‌کرد و وجود خداوند و ابدیت را افسانه و خیال‌بافته‌های فلاسفه می‌دانست (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۴۹۸).

بودا حتی از اینکه دستورات اخلاقی‌اش را بر پایه هر گونه وجود متشخص فراطبیعی بنا کند، روی‌گردان است و تنها واقعیت جاودان و مابعدالطبیعه‌ای که پذیرفته اصل تغییر، ناپایداری و صیروت یا همان **دَرمه**<sup>۱</sup> است. البته، درمه ویژگی‌های حقیقت‌غایی نظیر ابدی و ازلی بودن و نظم و نظام بخشی به جهان را دارد. (حسینی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۲۳).

بنابراین، در بودیسم، اعتقاد به خدا که قدرتی ماورایی و حقیقت‌غایی تشخیص‌یافته‌ای است که خالق تمام هستی است وجود ندارد، بلکه بودا خود را نیز نه خدا (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵) و نه پیامبر معرفی نمی‌کند؛ زیرا او هرگز ادعای دریافت وحی و واسطه بین خدا و با بندگان بودن را نداشت (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۴۹۵).

## (ه) خود

شاید مهم‌ترین نکته درباره خود فرد در بودیسم که جزء آموزه‌های مورد پذیرش همه فرقه‌های



۱۱۳

تحلیل کد اخلاقی محبت در بودیسم

بودایی است، انکار روح فردی و ثابت است. بر این اساس، انسان دارای دو بُعد روحی و مادی نیست، بلکه صرفاً یک بُعد مادی دارد، اما برخی با توجه به زمینه تفکر او پهنشدهی او احتمال دیگری را نیز مطرح کرده‌اند که بر اساس آن، بودا به طور کلی منکر روح و نفس نیست، بلکه منکر نفس ثابت و بدون تغییر است (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲).

با توجه به مثالی که راهبی بودایی به نام «ناگاسنا» بیان می‌کند، انسان شخصیت ثابتی ندارد و نفس ثابتی در پس اعضا و جوارح انسان نیست، بلکه این اجزا ذیل لفظ کلی انسان گرد آمده‌اند و این اجزا هستند که هستند؛ او مثال به ارابه می‌زد که به هیچ‌یک از اجزای آن ارابه نمی‌گویند، بلکه اجزا در کنار یکدیگر ارابه را شکل می‌دهند (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۳). به همین ترتیب، انسان از پنج «اسکنده» (جسم، احساس، ادراک، تأثرات ذهنی (حالات دل)، آگاهی (دانستگی)) تشکیل شده است (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

با توجه به آموزه‌های بودیسم، به نظر مهم‌ترین مسئله در بحث ما این است که ثابت شود آدمی دارای جسم، احساس، ادراک، تأثرات و آگاهی است و همین کفایت می‌کند تا انسان توان و امکان محبت کردن داشته باشد. بنابراین، انسان - چه دارای شخصیت، روح، نفس ثابتی باشد و چه نباشد - به سبب وجود این پنج اسکنده، امکان محبت ورزیدن و محبت دیدن و فهم و درک محبت را دارد. از سویی، محبت به دیگران، محبت به خود و دست‌کم یکی از عوامل نجات است از این‌رو، یک بودایی از این طریق به خود نیز محبت می‌نماید.

شخصیت آرمانی در بودیسم، دارای صفات ده‌گانه شامل، سخاوت، اخلاق، زهد، عقل، تحمل، صدق، قوت، قاطعیت، محبت و متانت تشکیل شده است، این صفات در تداخل با چهار مقام معنوی هستند که مبنای همه روابط خوب را شکل می‌دهند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷).

## (و) انسان‌ها

سایر مردم و انسان‌ها به عنوان افراد تشکیل‌دهنده جامعه انسانی مورد احترام هستند. افراد دارای روابط مختلفی با انسان‌ها هستند و نسبت‌های گوناگونی را شکل می‌دهند که عنصر واحد در همه آنها یا دست‌کم یکی از عناصر واحد در همه انواع ارتباطات انسان‌ها محبت است، محبت زن و مرد به یکدیگر، محبت والدین به فرزندان و بالعکس، محبت بین برادران و دوستان و ... نمود محبت در روابط مختلف است.

از نگاه آیین بودا، زندگی اجتماعی فرصتی در اختیار انسان قرار می‌دهد که بتواند خود را

پاک کند (آزادیان، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

از این رو، بودا به نظام طبقاتی که سبب دوری و جدا شدن انسان‌ها و نگاه تبعیض‌آمیز بود، اعتقادی نداشت و برای مهرورزی و دلسوزی گستره‌ای که شامل افراد خاص، بارنگ، نژاد، چهره، دین خاص باشد، قائل نبود (فراسوی فرزادگی، ص ۱۸۲). هنگامی که به سوگند آغازین بودا نگاه می‌کنیم، نگاهی فراتر از انسان‌ها را و نگاه به همه جانداران را می‌بینیم؛ محبتی که محدود نیست و این خود نشان دهنده جایگاه انسان‌هاست؛ انسان‌هایی که قابلیت رشد دارند، یعنی محبتی را می‌بینیم که شامل دیگر جانداران می‌شود که یقیناً شامل انسان‌ها نیز می‌شود؛ سوگند آغازین هر بودا این است: «می‌خواهم راه بودا را که من خودم طی کرده‌ام، با همه جانداران شریک باشم تا آنها هم بتوانند به این راه برسند» (سوره نیلوفر سه‌گانه، ص ۱۶۸ و ۴۵۷).

## ز) طبیعت

زمانی که سخن از محبت به میان می‌آید، دیگر طبیعت محدود به انسان‌ها نیست؛ برای نمونه، سنت خرید ماهی و پرندگان در قفس و آزاد نمودن آنها در جشن وساک<sup>۱</sup> از جمله مهربانی‌های آنها نسبت به طبیعت است. بودیستوها یکی از الگوهای بوداییان در زمینه مواجهه با حیوانات و طبیعت هستند که چون همه موجودات را مانند فرزند خود می‌بینند و محبتی این‌چنینی به موجودات دارند، نمی‌توانند در گوشت‌خواری افراط کنند (Suzuki, 1998, p. 369). داستان‌هایی که از رفتارهای بودا با دیگر موجودات نقل شده است نیز این دلسوزی و مهربانی را نشان می‌دهد؛ مانند اجازه نداشتن اعضای سنگه برای کشتن حیوان برای خوراک و لزوم کاشتن درخت هر چند سال یک‌بار و مراقبت از آن تا ریشه بزند و محکم شود (تیسا، ۱۳۸۶، ص ۹۴-۹۵).

## لوازم عملیاتی کردن کُد اخلاقی محبت

مؤلفه‌های گوناگونی برای عملی شدن قواعد اخلاقی شمرده شده است؛ از جمله عمومیت آن قاعده، شمولیت، کلیت، سهولت، قابل‌تعلیم بودنش و پشتوانه علمی داشتن آن. یک قاعده نمی‌تواند اختصاص به یک طیف خاص و یک قشر خاص مثل رنگین‌پوستان یا افراد



انگلیسی زبان داشته باشد، بلکه بایستی عمومیت داشته و شامل حال همه افراد شود. همچنین باید شمولیت داشته باشد و نباید مختص به یک زمان یا یک مکان باشد مگر این که با چالشی خاص مواجه شود. یک قاعده باید نسبت به کلیت فرد و افراد صادق باشد، یعنی نباید در مورد یک جزء یک فرد صادق باشد و دربارهٔ جزء دیگر او صادق نباشد. همچنین قابلیت تعلیم داشته باشد.

از سویی، باید سهولت و پشتوانه عملی داشته باشد، یعنی اجرای آن محال نباشد و به گونه‌ای نباشد که عامل اخلاقی هنگام عمل به آن با دشواری شدید مواجه شود.

می‌توان ادعا کرد که قاعدهٔ «محبت» در بودیسم دارای عمومیت، شمولیت و کلیت است؛ جز در مواردی که چالش یا آسیبی پیش رو باشد، محبت در بودیسم از قلمرو انسان‌ها فراتر می‌رود و شامل حال همهٔ موجودات می‌شود، یعنی انسان نه تنها نسبت به دیگر انسان‌ها، بلکه بایستی نسبت به دیگر موجودات نیز مهربان باشد و محبت بورزد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲-۱۷۳). در موارد چالشی مانند افراط و تفریط در محبت ورزیدن عمومیت، شمولیت و کلیت این قاعده لطمه می‌بیند.

اما دربارهٔ قابلیت تعلیم این قاعده، دستورات متعددی که در قالب ویژگی‌های انسان آرمانی، چهار مقام معنوی و... رسیده است، نشان‌دهندهٔ قابلیت تعلیم این قاعده است و اما دربارهٔ سهولت قاعدهٔ محبت و پشتوانهٔ عملی و قابلیت اجرایی آن باید نوشت که محبتی که در بودیسم تعریف شده و به آن اشاره شد، یعنی مهر و محبت بی‌دریغ به همگان و عدم رنجیدن از احدی حتی در حالت آسیب دیدن از دیگران که امری بسیار دشوار است و حتی انجام و پایبندی به آن برای اکثر انسان‌ها امری محال است.

البته، در بودیسم برای رسیدن به این نوع محبت لازم است راه‌های هشت‌گانه پیموده شود و اگر کسی بتواند این راه‌ها را بییماید، به مقام معنوی محبت یا «متا» خواهد رسید و پیمودن راه‌های هشت‌گانه، خود امری دشوار است.

## چالش‌ها

کُد اخلاقی محبت در بودیسم با چالش‌های درون اخلاقی و برون اخلاقی مواجه است؛ برخی از چالش‌ها خارج از حیطهٔ اخلاق هستند، اما در عین حال مانع و چالشی در برابر محبت به حساب می‌آیند نظیر حمله به فرد یا کشور دیگری برای کسب منافع و تأمین منافع ملت یا خانوادهٔ خود، اما برخی دیگر از چالش‌هایی که در مقابل محبت قد علم می‌کنند چالش‌هایی از درون



حوزه اخلاق هستند، نظیر تنفر (دُسا<sup>۱</sup>)، حرص (لبا<sup>۲</sup>)، جهل (اویجا<sup>۳</sup>) و ... برای نمونه، در بودیسم اعتقاد بر این است که «تنفر» هیچ‌گاه نمی‌تواند «تنفر» را تسکین دهد و از بین ببرد، بلکه محبت است که می‌تواند تنفر را رام و خنثی کند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵). البته، چالش‌های برون اخلاقی محبت، ریشه در چالش‌های درون اخلاقی محبت و به ویژه تنفر دارند و از همین رو، چالش‌ها را به صورت ذیل آوردیم.

### عدم تعادل

به طور کلی یکی از چالش‌های اساسی که هر رهرو و حتی هر انسانی با آن مواجه است عدم تعادل و افتادن به ورطه افراط و تفریط است. همان‌طور که در داستان زندگی گوتمه مطرح است، او پس از گذراندن زندگی کاملاً مرفهی در قصر، رو به ریاضت شدید رو آورد و پس از طی کردن دو مسیر که یکی همراه با تفریط و دیگری آمیخته با افراط بود؛ به حقیقت دست یافت و روشن شد و راه تعادل را در پیش گرفت و از افراط و تفریط دست شست (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). عدم تعادل، ممکن است در هر مسیری رخ دهد و محبت به دیگر موجودات نیز از این قاعده مستثنی نیست و «عدم تعادل» یکی از چالش‌های اساسی محبت ورزیدن به دیگران است.

### خشم، بدخواهی و نفرت

بدخواهی، دشمن بیرونی مهر و محبت است و خشم و بدخواهی و نفرت عوامل بازدارنده از مهر و محبت‌اند و در کلام بودا، تفاوت افعال و کردار نیک در برابر مهر که رهاکننده دل از بدخواهی است مانند تفاوت روشنایی ستاره به روشنایی ماه است (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۶۲-۶۳). محبت در هر حال، از نفرت بهتر است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶). بنابراین، کسی که گرفتار اینها باشد، نمی‌تواند مهر بورزد و ادعای محبت داشته باشد.

### خودخواهی

بدیهی است که «خودخواهی» یکی از عواملی است که مانع محبت می‌شود؛ زیرا تا وقتی فرد

---

1. Dosa, Dvesa, Dvesha  
2. Lobha  
3. Avijja

تنها خودش را ببیند و تنها به منفعت خویش بیندیشد و گرفتار خودخواهی شود، نخواهد توانست به راحتی به دیگران و دیگر موجودات محبت کند و آنها را مورد تفقد قرار دهد. از این رو، خودخواهی در بودیسم همواره مذموم تلقی شده است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶).

### محبت احمقانه و احساسی

هنگامی که محبت بدون در نظر گرفتن خرد و به دور از خرد رخ نماید، یکی از آسیب‌ها، دلسوزی احمقانه است. به عنوان مثال، هنگامیکه فرد معتادی از ما پول بخواهد و با وجود علم به مصرف مواد مخدر به او پول بدهیم، عملاً او را در ادامه مسیر اشتباهش یاری کرده‌ایم و این دلسوزی و محبت احمقانه‌ای است که مورد تأیید نیست (داس، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸-۲۶۹). در مورد شخصیت بودا نیز گفته شده که او نسبت به دیگران بی‌اعتنا نبوده و در عین حال که اهل محبت و مهربانی بوده است از محبت کردن‌های احساسی و احساساتی بودن نیز پرهیز می‌کرده است و این از خلال داستان‌هایی که درباره او نقل شده است آشکار می‌شود (تیسا، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

### محال بودن و دشوار شدن زندگی عادی

محبت بی‌دریغ و بی‌پایان نسبت به تمام هستی و عدم رنجیدن، تنفر و عداوت درونی در برابر دشمنی، آزار و اذیت و حتی آسیب رساندن دیگران به خود امری دشوار و حتی برای کثیری از انسان‌ها محال است و می‌توان گفت چالش این نوع محبت این است که باید از زندگی عادی دست شست و این سبک از زندگی طبیعتاً برای افراد عادی غیر ممکن خواهد بود. از این رو، این محبت تنها به کسی که به مقام «آرَهَت»<sup>۱</sup>، یعنی مقام تنزه از شهوت، جهالت و حرص رسیده باشد اختصاص می‌یابد (ناس، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱). یکی از علائم وصول به مقام «آرَهَت» محبت به عالم و خیرخواهی برای کل موجودات هستی است (تیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹).

### راهکارها

#### راه میانه (هشت‌گانه)

از طریق راه‌های هشت‌گانه که - در حقیقت - بهترین راه برای حفظ تعادل و پرهیز از افراط و

1. Arhat

تفریط معرفی شده‌اند، می‌توان بین عقل و محبت تعادل برقرار کرد (داس، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۱۲). از سویی، رسیدن به کمال چهار مقام معنوی که نخستین و مهم‌ترین آنها محبت است، از دوراه ممکن است، نخست از راه رفتار عملی و هدایت شایسته اندیشه که در واقع، در آموزش برترین سلوک صورت می‌گیرد، یعنی در گام‌های سوم و چهارم و پنجم راه هشت‌گانه. دوم از راه درون‌نگری و سیر در عوالم درونی که در چهار دایانه انجام می‌گیرد (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۶۶).

### کسب هر چهار مقام معنوی

این چهار مقام معنوی وابستگی شدیدی به یک‌دیگر دارند و در حقیقت، در کنار هم بودنشان موجب برطرف شدن مشکلات و چالش‌هایی است که اگر یک‌یک آنها به تنهایی لحاظ شود، ممکن است ایجاد شود، اگر یکسان دلی که مقام چهارم است نباشد، مهر و غمخوارگی دست به کوشش‌های بیهوده می‌زنند و سرگردان عاطفه‌های خویش می‌شوند و مقصود خود و هدف را از یاد می‌برند و مسیر را گم می‌کنند (پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۶۶). بنابراین، جهت گرفتار نشدن در دام چالش‌ها و آسیب‌ها ضروری است که رهرو هر چهار مقام معنوی را به دست بیاورد.

### صبر و کفّ نفس مستمر

بدیهی است که برای ابراز محبت و مهر ورزیدن به صورت عملی بایستی ویژگی‌هایی را تقویت کنیم که از جمله آنها صبر و کفّ نفس است. ایندو از صفات لازم در محبت به معنای بودایی آن هستند. این دو ویژگی خود صفات دیگری را در پی دارند که تحمل و بالا رفتن آستانه تحمل و در نتیجه نرنجیدن و خشمگین نشدن را در پی دارد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳-۱۸۴).

### تحلیل و نقد

از آنجا که تحلیل و نقد هر آموزه و مطلبی مبتنی بر توصیف صحیح، کامل و واقع‌بینانه از آن است و با توجه به ساختار ویژه‌ای که ذیل عنوان «کُد اخلاقی» در مقاله مشهود است، به توصیف کُد اخلاقی محبت در آیین بودا پرداخته و مشخص شد که در اخلاق بودایی نیز بایستگی محبت، حکمی هنجاری است و کُد اخلاقی محبت با این ساختار، تلاش برای اجرا و عملیاتی



نمودن آن را نشان می‌دهد که این ویژگی مثبتی برای اخلاق بودایی است، اما اشکالاتی بر این آموزه در بودیسم متصور است. از آنجا که علم اخلاق متکفل تنظیم روابط آدمی است از این‌رو، بسیار ضروری است که در تنظیم احکام هنجاری به ظرفیت انسان‌ها توجه شود و بر اساس این ظرفیت‌ها دستورات اخلاقی تنظیم شود؛ به نظر می‌رسد این امر در اخلاق بودایی مغفول مانده و به ظرفیت محدود آدمیان توجه لازم و کافی نشده است و عموم انسان‌ها با توجه به محدودیتی که دچار آن هستند عملاً نمی‌توانند به محبت با تعریف خاص بودایی آن، یعنی محبتی جهان‌شمول، مانند محبت مادر به فرزند و محبت نمودن به دیگران در عین آسیب دیدن از آنها ملتزم باشند بنابراین، پشتوانه عملی آن بسیار ضعیف است.

با توجه به این اشکال، نقد دیگری را می‌توان مورد توجه قرار داد؛ در غیر شرایط خاص به سبب تأکیدات فراوان بر محبت نمی‌توان آن را از مسیر سلوک به سوی نیروانا حذف کرد و این آموزه در مسیر رسیدن به نیروانا و رهایی از چرخه سمساره نقش بسزایی ایفا می‌کند، اما - همان‌طور که بیان شد - چون رعایت آن در عمل و حذف چالش‌های پیش روی آن، امری بسیار سخت و برای اکثریت آدمیان محال به نظر می‌رسد، عمل نجات و رسیدن به نیروانا و با اختلال روبه‌رو می‌شود از سوی دیگر، چون کسب هر چهار مقام معنوی و عمل به راه میانه نیز امری بسیار مشکل است، عملاً تصویری ناامید کننده از امکان رهایی در اخلاق بودایی ارائه می‌شود. اشکال دیگری که بنظر می‌رسد این است که به رغم تأکیدات فراوان بر آموزه محبت و مهر ورزیدن به تمامی موجودات، نسبی‌گرایی و انکار وجود مطلق اخلاقی نشان می‌دهد این قاعده نیز می‌تواند در شرایط خاص و استثنایی نادیده گرفته شود و این به سبب نسبی‌گرایی اخلاقی است که گریبان اخلاق بودایی را گرفته است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشته - با توجه به ساختار ویژه‌ای که بر آن حاکم است - دریافتیم که محبت نقش ویژه‌ای در زندگی بودا داشته و به همین سبب، او با انگیزه محبت برای نجات دیگران تعالیمش را در اختیار آنان قرار داده است. سپس به بررسی منشأ صدور کُد اخلاقی محبت پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که صدور این کُد از جانب او، از تفکر، روشن‌شدگی و معرفت سرچشمه گرفته است و بوداییان نیز این آموزه‌ها را از متون کهن بودایی، مصوبات انجمن‌های بودایی، سنت

شفاهی، قواعد اجتماعی و آموزه‌های مدرسان مشهور بودایی کسب کرده‌اند. در ادامه، قاعده اخلاقی «انسان به عنوان عامل اخلاقی باید با خدا، خود، دیگران و طبیعت به محبت رفتار کند» کشف شد و از آنجا که هر قاعده اخلاقی برای عملی شدن نیازمند مشوق‌ها و ضمانت‌های اجرایی است، رسیدن به نیروانا و رهایی از سمساره و رنج، رسیدن به آرامشی درونی به عنوان مشوق‌ها و عدم دستیابی به نیروانا، گرفتاری در چرخه سمساره و رنج و عدم دستیابی به آرامش درونی، به عنوان ضمانت‌های اجرایی به دست آمد.

مرحله ضروری بعدی بررسی معانی واژه‌های بکار رفته در گزاره اخلاقی فوق بود؛ به همین دلیل واژگان عامل اخلاقی، خدا، خود (انسان)، دیگران (سایر انسان‌ها)، طبیعت و محبت تعریف شد و مشخص شد که در اخلاق بودایی، محبت به خدا به سبب عدم پذیرش خداوند مطرح نیست و محبت به خود نیز از طریق محبت به دیگر موجودات و دستیابی به نیروانا محقق می‌شود و محبت به دیگر موجودات ضروری و لازم است. در ادامه، لوازم اجرایی این قاعده مورد بررسی قرار گرفت و به اختصار، بیان و روشن شد که این قاعده عمومیت، شمولیت، کلیت و قابلیت تعلیم دارد، اما سهولت ندارد، یعنی قاعده محبت، پشتوانه عملی و قابلیت اجرایی آن با توجه به تعریف خاصی که در بودیسم از مهرورزی ارائه شده است، با مشکلات و دشواری‌هایی مواجه خواهد شد و کمتر کسی توان عمل کردن به آن به صورت کامل و جامع را خواهد داشت. در ادامه، چالش‌های پیش روی این قاعده احصاء و شماره شد و مشخص شد که دست‌کم هفت آسیب و چالش - از جمله عدم تعادل و افراط و تفریط در محبت‌ورزی، خشم، بدخواهی و نفرت، خودخواهی، محبت احمقانه و احساسی، دشوار شدن زندگی عادی - خواهیم داشت و عمده راه حل برای برطرف شدن آنها پیمودن راه‌های میانه‌ای است که به راه‌های هشت‌گانه شهرت یافته‌اند. همچنین کسب تمامی چهار مقام معنوی، یعنی مهر (میتا)، غم‌خوارگی (کرونا)، شادی همدلانه (مودیتا) و یکسان دلی یا متانت (اوپکا) در کنار یک‌دیگر راه حل غلبه بر چالش‌ها خواهند بود. از سوی دیگر، بالا بردن آستانه تحمل و تقویت صبر و کف نفس کردن مستمر نیز عاملی ریشه‌ای و بنیادی برای از بین بردن دشواری‌های این قاعده است.

«کد اخلاقی محبت» - با توجه به آنچه بیان شد - قاعده‌ای است اخلاقی که جایگاهی ویژه در بودیسم دارد، اما به سبب محدودیت ظرفیت آدمی و در نتیجه، عدم سهولت دستیابی به محبت با تعریف خاص آن و کنار گذاشته شدن این قاعده اخلاقی در برخی شرایط - به سبب نسبی‌گرایی در اخلاق بودایی - عملاً امکان نجات از طریق آن برای اکثریت انسان‌ها وجود ندارد.



## فهرست منابع

- آزادیان، مصطفی. (۱۳۹۰). اخلاق بودایی. مبانی و ساحت‌ها. فصلنامه معرفت ادیان. ۲(۲). ص ۱۴۳-۱۶۸.
- پاشایی، عسکری. (۱۳۸۶). بودا. (چاپ نهم). تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- تیسا، سادها. (۱۳۸۶). بودا و اندیشه‌های او. (ترجمه: محمد تقی بهرامی حران. چاپ دوم). تهران: انتشارات جامی.
- چاترجی، ساتیش چاندرا و دریندراموهان داتا. (۱۳۸۴). معرفی مکتب‌های فلسفی هند. (ترجمه: فرناز ناظرزاده کرمانی. چاپ اول). قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- چنین گفت بودا. (۱۳۷۸). (ترجمه: هاشم رجب‌زاده، چاپ سوم). تهران: انتشارات اساطیر.
- چنین گوید او ترجمه متن ایتی ووتکه. (۱۳۸۳)، (ترجمه: عسکری پاشایی. چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حسینی قلعه‌بهمن، اکبر. (۱۳۹۶). تحلیل کُد اخلاقی محبت در آیین کاتولیک. فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی. ۳(۱). ص ۹۱-۱۱۰.
- حسینی، سید علی و ولی عبدی. (۱۳۹۳). بررسی درمه در دین بودا. دوفصلنامه پژوهش‌های ادیانی. ۴(۲). ص ۱۱۷-۱۳۰.
- داس، سوریا. (۱۳۷۹). بیداری بودای درون. (ترجمه: ملیحه کرباسیان و فتانه ترکاشوند، چاپ اول). تهران: انتشارات مرداد.
- دورانت و ویلیام جیمز. (۱۳۳۷). تاریخ تمدن. (ترجمه: احمد آرام و دیگران. چاپ اول. ج ۱). تهران: انتشارات اقبال.
- سوره نیلوفر سه‌گانه. (۱۳۹۰). (ترجمه: عسکری پاشایی، چاپ اول). قم: انتشارات ادیان.
- سوزوکی، بناتریس لین. (۱۳۶۸). راه بودا. (ترجمه: عسکری پاشایی. چاپ اول). تهران: انتشارات اسپرک.
- شایگان، داریوش. (۱۳۶۲). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. (ج ۱ و ۲. چاپ سوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عباسی، محمود و دیگران. (۱۳۹۱). اخلاق زیستی از منظر ادیان غیر ابراهیمی. فصلنامه اخلاق زیستی. ۴(۲). ص ۱۱۵-۱۶۰. doi: 10.22037/bioeth.v2i4.14042
- فراسوی فرزادنگی؛ ترجمه متن پرگیاپارمیتا (عرفان بودایی). (۱۳۸۰). (ترجمه: عسکری پاشایی. چاپ اول). تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- منسکی ورنر و دیگران. (۱۳۹۳). اخلاق در شش دین جهان. (ترجمه: محمدحسین وقار. چاپ سوم). تهران: انتشارات اطلاعات.



موحیدیان عطار، علی و محمدعلی رستمیان. (۱۳۹۳). درس نامه ادیان شرقی. (چاپ دوم). قم: انتشارات کتاب طه.

ناس، جان. بی. (۱۳۹۲)، تاریخ جامع ادیان. (ترجمه: علی اصغر حکمت، چاپ بیست و یکم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Lama, T. D., Bodhi, B., & Lama, D. (2005). *In the Buddha's Words: An Anthology of Discourses from the Pali Canon*. Somerville: Wisdom Publications.

Gethin, R. (1998). *The Foundations of Buddhism* (1st edition). Oxford: Oxford University Press.

Gombrich, R. F. (2006). *Theravada Buddhism: A Social History from Ancient Benares to Modern Colombo*. London: Routledge.

Heim, M. (2020). *Buddhist Ethics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kamalashila. (1992). *Buddhist Meditation: Tranquillity, Imagination and Insight*. London: Windhorse Publications.

Suzuki, D. T. (1998). *Studies in the Lankavatara Sutra*. London: Routledge.

Monier-Williams, M. (1964). *A Dictionary: English and Sanskrit*. Oxford: Oxford University Press.



۱۲۳

تحلیل کد اخلاقی محبت در بودیسم